

خود بوده . از حيث معرفت نيز بواسطه وفاداری و مساعدت رفیق جوانی خود نظام الملك از هر گونه زحمت فكري و بدنی مصون و فارغ البال زندگی می نمود . لذا ایاتی را که ذیلا برای نمونه خواهیم خواند نالهائی است که مستقیماً از سوز جگر شخصی تولید نشده بلکه از خارج در آنجا وارد گشته .

بلبل بزان حال با او می گفت يك روز كه خندید كه سالی نگر نیست  
 در کام تو گر زمانه لوزینه نهد زنهار فرو میر که زهر آمیز است  
 يك دم نفسی از سر شادی ترمدم كان روز دری ز صد غم از نكرد  
 ( بقیه دارد )

## نامه سید جمال الدین اسدآبادی

### راجع باوضاع عمومی ایران

در شماره ۵ مجله عربی «المقتطف» منطبعه قاهره مورخه شوال ۱۳۴۳ در تحت عنوان «رای حکیم شرقی» مکتوبی بقلم مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی معروف به «افغانی» مرقومه ۱۵ دسامبر ۱۸۸۱ خطاب به سید حاج مستان داغستانی درج شده است . بنا بشرحی که در همان مجله نوشته شده این نامه فارسی نگارش یافته واصل فارسی آن نزد آقا میرزا عبدالمهدی فلاح اصفهانی که از مهاجرین ایرانی مقیم اسکندریه و داماد سید داغستانی است موجود میباشد . سید داغستانی وصیت کرده است که پس از وفاتش مکتوب مزبور را انتشار دهند . آقا میرزا عبدالمهدی سابق الذکر در ذیل مرآه سید جمال الدین که برای درج در آن مجله فرستاده مینویسد :

«آزادخواهان معروف ایران در زمان ناصرالدین شاه و مامورین او تاجران گردیدند برای خلاصی از ظلم بممالک شرقی اسلامی بناه برند یعنی از آن مثل سید جمال الدین خودش را بافغانی معرفی کردند در

صورتیکه اویکفر ایرانی واقعی و حقیقی و از قصبه اسدآباد همدان بود همچنانکه رفیق او داغستانی از قصبه مراغه تبریز بود»

این مکتوب دو سال قبل برای درج در مجله آینده ترجمه شده بود ولی بواسطه تراکم مقالات بدرج آن توفیق نیافتیم. همچنین شرحی بقلم آقا میرزا ابوالحسن جمالی مقیم اسدآباد که از خویشان آن مرحوم است سابقاً رسیده اینک در ذیل همین مکتوب بدرج آن مبادرت میکنیم. عکس آن مرحوم نیز بعداً طبع میشود.

\* \* \*

### دوست عزیز محترم سیدحاج مستان داغستانی

از مرسله مورخه ۱۵ نوامبر شما که از حالت کنونی ایران اشارتی در آن رفته بود آگاه گردیدم، تصور کرده بودید که علت محرومیت ملت و دولت ایران از ترقیات امروزه، مخالفت علماء با سیاست و اداره مملکت است چون عقیده این عاجز را در این باب خواسته بودید عقیده شخص خودم را بعرض رسانیده و تمنای قبول عذر مینمایم.

آنچه درباره علماء ایران تصور کردیم دور از دائره عدل و انصاف است زیرا پوشیده نباشد هر وقت که قدرت بدون قید و بدون بازپرس باشد رجال دین نمیتوانند از اجراء اراده آن قدرت مسلط جلو گیری کنند خصوصاً در عصر حاضر که هیچ قوه ای نمیتواند از اجراء احکام دولت در ترقی ملت ممانعت نماید.

کی دولت ایران خواست در مملکت خط آهن کشد و علماء دین مقاومت کردند و او را از نیل باین مقصود که هم برای دولت وهم برای وطن مفید است باز داشتند؟

کی دولت خواست مدارس را احیا کند و برای تهذیب نیل و انتشار تعلیم کاخ علم را بنا نماید و علماء ایران این نوری که فلور برانور میسازد و تاریکی جهل را فراری میکند خاموش ساختند و گفتند علم صحیح با شرع مقدس مغایرت دارد؟

کی دولت ایران خواست عدالت را در میان مردم استوار کند، محاکم عدلیه را تاسیس نماید، مجالس شوری را ایجاد کند تا تمام احکام با عدالت و موافق احتیاجات عصر حاضر جریان پیدا نماید و علماء در مقابل اراده دولت قیام نموده با عدالت و قانون آغاز سبز کردند؟

کی دولت خواست مریضخانهای جدید تأسیس کند و آنها برای پرستاری بیماران مهیا سازد و هرچه در تخفیف آلام مردم لازم است موافق اقتضای فنی حاضر کند و دارالمعجزه‌ها و دارالایتمهاتاسیس نماید و علماء از این کارهای جدید خیر برآشفتند و گفتند این ~~کار~~ تازه بدعت است و هر بدعتی باعث هلاکت؟

کی دولت ایران خواست قوای خود را بیفزاید، قشون خود را منظم کند و عده آنها بدویست هزار نفر رسانیده، برای دفاع مملکت موافق علم جنگ امروزه و مطابق اقتضای زمان ما باساخته جدید مسلح سازد و علماء مخالفت نمودند؟

اما آنچه راجع بـ علماء ذکر کرده بودید که تکالیف خودشانرا از حیث تعالیم شرع مقدس و نشر آداب صلاح و تقوی واگذارند و در تمام ایران بچیزهائی که برای شخص خودشان دارای منفعت است پرداخته‌اند و اینها باعث قحط و غلاء امروز و اتلاف هزاران نفوس بندگان خدا گردیده‌اند قدری صحیح است ولی این زیان، عمومی نیست و بعضی از آنها انحصار دارد که سعی کرده‌اند تمام منافع را برای شخص خودشان منحصر ساخته و از این راه مشغوم بطریق نامشروع نصف بلاد آذربایجانرا مالک شوند چنین عملی در تمام علماء ایران که از میان آنان بسیاری اشخاص برای خدمت بحق و فضیلت قیام نموده و از حطم دنیا باندگی قناعت کرده‌اند عمومیت ندارد.

البته این کار زشت در هر جا و در هر زمان بعمل آمده است ولی حسن اداره و قوت عدل و صمیمیت و دانائی حکمفرمایان توانسته

است حکمرانان را بجلوگیری اختکار و نشر عدل و مساوات در میان مردم و آسان نمودن وسائل انتقال موفق سازد.

دولت دانا و عادل برای ملت چون پدر مهربانست که ملت را از هر ظلم و اجحاف چه داخلی و چه خارجی حفظ میکند مقدسترین تکالیف حکمفرمایان اینست هر يك از افراد رعیت را نگذارد ظلمی شود. اگر دولت در این کار مسامحه را جایز شمرد ظلم رواج میگردد و جور و اعتساف منتشر میشود، مشاهدات کنونی ما در ایران بیانات مرا تأیید میکند، هیچ حاکمی برای هیچ ناحیه‌ای تعیین نمیشود مگر بعد از آنکه مبلغ هنگفتی برای بدست آوردن آن منصب خرج نکند. همینهکه بان منصب نازل شد طلیعه اعمال او ظلم بمردم و غارت مملکت و جاب تنگ برای دولت و ملت است. مسئله فته اگر اد و خرابیها و خونریزی‌هایی که واقع شد سببش ظلم بود. در ایران مردم گمان میکنند حکمرانی کاری آسان است و هر جوان بیمایه‌ای میتواند در ولایات و ایالات حکومت نماید. هر کس در علل طغیان کنونی عقیده ای اظهار میکند. بعضی روس را متهم ساخته میگویند او آتش فته را روشن کرده و اکراد را مسلح نموده تانست بشاه یاغی شوند. بعضی دیگر تصور میکنند دست عثمانی در این کار دخالت دارد زیرا اکراد از پیش خود جسارت چنین کاری را ندارند ولی من جسارت نموده میگویم دستی که فته را در مملکت بجنبش میآورد و فساد را منتشر میسازد يك سلسله مظالم است که دست ظلم آنرا ایجاد نموده و لازم بود ما نگذاریم دشمنان قوی ما راهی بما باز کنند. در هر حال اجراء عدل و مساوات در تمام طبقات ملت لازم است و الا هر دولنگه دروازه وطن برای وارد شدن دشمن گشوده خواهد ماند.

اگر دولت عثمانی در بوسنه و هرسک و بلغار بعدالت وانصاف معرفی شده بود طغیان و خونریزی در آن ملل اسلاوی ظهور نمیکرد

و آن بلاد در حوزه سلطنت عثمانی باقی میماند و دنیا در سال ۱۸۷۷ از مصائب جنک ترك و روس نجات می‌یافت .

تاریخ صحیح این عقیده صحیح را ثابت میکند . هر جا ظلم موجود و آسایش معدوم شد از دولت اثری نخواهد ماند .  
دولت بدل استوار و ملت بعلم زنده میشود .

تمام مساحت فرانسه نك مساحت ایران است چهل ملیون سکنه باسایش در مملکت فرانسه زندگانی میکنند . مالیاتی که سالیانه از آنها گرفته میشود پانصد کروور تومان است . ایسران در تمام مساحت ایران فقط ده ملیون نفوس و تمام مالیات آن هفت کروور تومانست . سبب چیست ؟ سبب آبادی فرانسه عدل و مساوات و اخوت و آزادیست که تمام اینها در ایران مفقود میباشد .

مسام است وسایل ارتقائی که در ممالک غرب عمومیت دارد علم و تعمیم علم است . مردم بدون مساعدت دولت بسوی علم می‌شتابند پس مملکت را ترقی میدهند . عظمت و ثروت دولت را افزون میسازند ، صنایع و فنون را جلو میبرند . ثروت ملت و افراد افزوده میشود و بواسطه عمل بقانون کارها اصلاح میگردد . اینست جاده همواریکه بارتقا و عظمت منتهی میشود .

رجال ایران در سیاست و صنعت کلام مهارت دارند ولی علم آنها بیعمل است . اگر يك قسمت از صد قسمت قوایی که در گفتار صرف میکردند در کردار بدل بمنمودند ، ایران از حیث ترقی و ثروت و عظمت و قوت در مصاف دول عظیمه قرارداداشت . وقتی می‌بینم یکنفر از اعیان ایران وقت و مالش را صرف برای کسب شهرتی میکند که هیچ فائده ندارد و کارهای سودمندی را که هم برای دولت باعث خیر و صلاح وهم برای خودش سبب خیر و نواب در آخرت و نام نیک مغلذ در تاریخ مملکت است کنار میگذارد بسی متأسف میشویم .

یکی از وسائلی که باعث ترقی غرب گردیده آزادی مطبوعات است این آزادی خوب و بد حکام را بدون استثناء نشر میدهد. آنهاست که صفات خوب دارند بر آن میافزایند و آنهاست که بفساد و خود پرستی مبتلی هستند ناچار بترك آن میشوند. همچنین بازادی نشریات اعتراضی نمیکند مگر وقتی که ضد حق و حقیقت بوده و یا تهمت باشد. کسیکه از طرف مطبوعات باو تعدی شده حق دارد حق پایمال شده خود را در محکمه قانونی بخواهد ولی جرائد ما در ایران کاملاً برضد این مطلبند. از کار خوب خوب میگویند و از کارزشت هم خوب. نزد آنها تفاوت ندارد و میان خوب و بد تمیزی نیست و سراسر آنها اغراق است.

و علت اینکار مایل نبودن حکام و امرا باصلاح جرائد است صاحب جریده مظلوم است زیرا اینجمل برای حیات جرائدی که باید کارهای مفید و عقائد صائب و حوادث با حقیقت را نشر دهند مناسب نیست ندارد. در زمان قده آذربایجان قحطی در مملکت منتشر و ظلم حکمفرما بود بهمین جهت اکراد طغیان کردند، اضطراب عمومی ظاهر شد. مردم متوحش و منحیر بودند و عاقبت کار را نمیدانستند با وجود این مصائب جرائد ایران در ستونهای خود مینوشتند که شهر تبریز و نواحی آن در بهترین حال و در بر تو مساعی خدمتگذاران حضرت اقدس عالی امنیت برقرار و اهالی بدعاء ذات صاحب البرکات اقدس همایون عالی شاهنشاهی ارواحنا فداه مشغول میباشند.

سفراء ایران در ممالک خارجه هیچ فائده برای ملت ندارند. بعضی گفته اند سفیر آینه پادشاه و چشم پادشاه و گوش پادشاه است و باید هر چه می شنود و می بیند با صمیمیت و امانت پادشاه را خبر دهد ولی کوی رجال دولتی که اینکار را از سفراء بخواهند و در راپورتهای سفراء نظر دقیق و حکیمانانه داشته باشند.

ایران پانصد قونسل و وئیس قونسل در ممالک غیر مهم دارد تمام این قشون بزرگ بیصدا هستند نه راپورتی میدهند و نه یک نظریه تجارتي یا اجتماعی یا علمی یا سیاسی بوزارت خارجه میفرستند و نه وزارت خارجه چیزی از آنان سؤال میکند بنابراین از وجود آنها نفعی برای دولت و ملت نیست و غالب آنها از اصول سیاست بی اطلاعاند.

ما تأسف میخوریم بحال ایرانیانی که ظلم آنها را بمهاجرت از وطن و اختیار وطن دیگر که در آن معیشت داشته باشند کشانیده و باز جور نمایندگان ستمگر دولشان آنها را رها نکرده است. کاش تذکر بان نمایندگان مفید فایده بود این قضیه المنك واندهوه آواراست.

دوست محترم من - آنچه را که اکنون در این مراسله ذکر نمودم نمونه حالت حاضره عمومی ایرانست و چیزهائی را که ذکر نکرده‌ام بهمین منوال قیاس کنید تا بر شما معلوم گردد که علت تمام مصائب مملکت مافقط ظلم است، دولتی که برعیت ظلم میکند بخودش ظلم کرده است. علاج این درد تعمیم مدارس و نشر تعلیم صحیح و تهذیب عالی است که ظلم را محو کند و عدالت را حکومت دهد و اخلاق را اصلاح نماید. این اصلاح همت و فداکاری و وطن پرستانرا لازم دارد که معارف را در تمام مملکت ایران نشر و ملت را از عوامل هلاکت و فنا رهائی دهند تا علم آنها بساحل نجات بیندازد. هر گبه در این کار خیر تاخیری روی داد پس بدولت ایران بگوئید (خدا حافظ)

۲۵ دسامبر ۱۸۸۱

حفظکم الله

جمال‌الدین